

می بینیم که بسیاری از مشکلات کشور همچون ریسمانی است که بر دست و پای اقتصاد بسته ایم و انتظار داریم این پرنده بال و پر بسته به پرواز درآید و چه خیال باطلی است این تفکر! به هر حال، حرکتی آغاز شده است، حرکتی در خور تقدیر. امید است با سیاست‌گذاری‌های مطلوب، بسترسازی‌های مناسب، روش‌های اجرایی هدفمند و امید به آینده روشن، بتوان میوه‌های خوب و شیرینی برای سفره‌های مردم چید. انشاء الله ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران»، در رابطه با روند اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی را در صفحات ۳۲ - ۳۳ می‌خوانیم. همچنین به این شماره ماهنامه، متن کامل قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمیمه می‌باشد.

نظارت مجلس است. گذشته از آن، ما می‌خواهیم این خیل سرمایه مورد نیاز را در کدام بازار جمع‌آوری و هدایت کنیم؟ امروز بازار بورس، به یک بازار دلالی ثانویه تبدیل شده و کار انتشار سهام و سایر اوراق بهادار برای اولین بار - که از خصوصیات «بازار اولیه» سرمایه است - در اقتصاد ایران به ندرت به چشم می‌خورد. به علاوه، نوسانات بازار کنونی سرمایه که طبیعی است تحت تأثیر تغییرات عوامل اقتصادی و فراقصدی باشد، زهر مهلکی است در ظرف غسل. اقدامات ناکافی خصوصی‌سازی، کمبود نقدینگی بخش خصوصی، نگاه سرمایه‌گذاران که محدود به افزایش چند روز آینده قیمت سهام و یا آفت ارزش آن می‌باشد، مسایل و مشکلاتی که دامن‌گیر بازارهای پولی کشور شده است، تهدیدهای جهانی، تغییرات عوامل اقتصاد و قیمت‌های بین‌المللی از عواملی هستند که بازارهای پول و سرمایه کشور - و لذا بخش خصوصی - را فلج کرده و یا خواهند کرد.

## اثرات تورمی حق الضرب پول در کشور

# انتشار پول در ایران: حق ناحق

در حالی که دولت، برای بدهی‌های مالی از چاپ پول استفاده می‌کند، بایدنگاهی هم به تورم حاصل از آن نماید.

دولت‌های مختلف از حق انحصاری خود برای چاپ پول، می‌توان نسبت تغییر در پایه پولی را به محصول ناخالص داخلی اسمی، مورد بررسی قرار داد. طی سال‌های ۷۵-۶۸، میزان استفاده از حق الضرب پول بر اساس آمارهای بانک مرکزی، روندی صعودی داشته، به گونه‌ای که رشد سالانه آن به طور متوسط ۸ درصد بوده است.

طی سال‌های مذکور (دولت آقای هاشمی رفسنجانی)، کمترین و بیشترین میزان درآمد حاصل از حق الضرب پول، به ترتیب مربوط به سال‌های ۶۹ و ۷۴ بوده است که تقریباً برابر با یک و ۶ درصد محصول ناخالص داخلی اسمی است. طی سال‌های ۸۳-۷۶، درآمد حاصل از حق الضرب پول، روندی نزولی داشته، به گونه‌ای که رشد سالانه آن به طور متوسط، با یک درصد کاهش همراه بوده است. در این سال‌ها (دولت آقای خاتمی)، دامنه تغییرات درآمد حاصل از حق الضرب پول اندک بوده و نسبت به محصول ناخالص داخلی اسمی، تقریباً بین ۳ درصد در سال ۷۷ تا یک درصد در سال ۸۲، نوسان داشته است.

کاهش درآمدهای حاصل از حق الضرب پول در طول زمان، می‌تواند نشان‌دهنده استقلال بیشتر بانک مرکزی و همچنین وابستگی کمتر دولت به منابع بانکی، برای تأمین مالی هزینه‌های خود باشد. در سال‌های ۸۴، ۸۵ و ۸۶ (دولت آقای احمدی نژاد) درآمد حاصل از حق الضرب پول به ترتیب برابر با ۴/۱، ۲/۹ و ۳/۲ درصد تولید ناخالص داخلی اسمی بوده است.

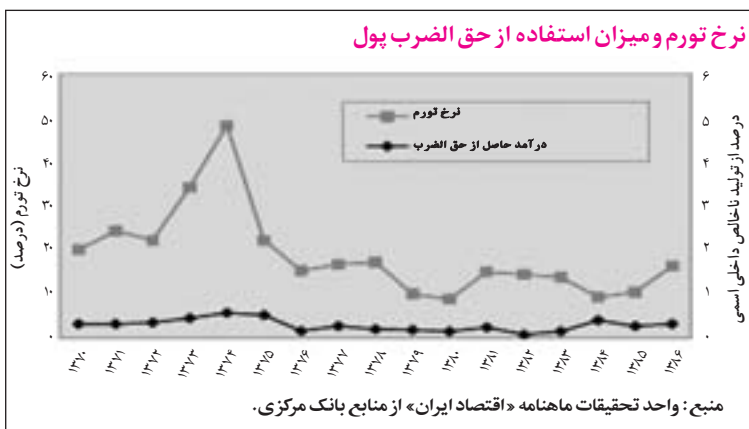
برای بررسی تبعات تورمی استفاده از حق انتشار پول، با استفاده از شاخص قیمت خرده‌فروشی با سال پایه ۷۶ (=۱۰۰) (۱۳۷۶)، طی سال‌های ۸۶-۶۸ محاسبه شده و همراه با درآمد حاصل از حق الضرب پول در این سال‌ها مقایسه شده است. همان‌طور که انتظار می‌رود، بین میزان استفاده از حق الضرب پول و نرخ تورم، همبستگی مثبت وجود دارد. به عبارتی خلق پول، موتور محرک تورم

در صورتی که هزینه‌های دولت با درآمدهایش پوشش داده نشود و بین دریافت‌ها و پرداخت‌های دولت، تعادل حاکم نباشد، کسری بودجه پدید می‌آید. دولت برای تأمین مالی کسری بودجه، ابزار متفاوتی در دست دارد. یکی از این ابزارها، استقراض از بانک مرکزی و چاپ پول است. این روش، اگرچه حق قانونی دولت برای تأمین هزینه‌هایش می‌باشد، اما استفاده بی‌رویه از آن، هزینه‌هایی را به مردم تحمیل می‌کند که لازم است مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد. در نوشتار حاضر، در بررسی روند استفاده از حق الضرب پول توسط دولت‌ها به نکات قابل توجهی بر می‌خوریم که تبعات تورمی سیاست مذکور را به روشنی منعکس می‌سازد.

دولت‌ها برای جبران بی‌انضباطی مالی، معمولاً با استفاده از حق قانونی و انحصاری خود برای چاپ اسکناس، به تأمین منابع مالی می‌پردازند. ایجاد درآمد از طریق حق الضرب، موجب افزایش حجم پول شده و رشد حجم پول، بدون وجود رشد واقعی تولید، سبب افزایش نرخ تورم می‌شود. در واقع با چاپ پول (افزایش حجم پول با استفاده از حق الضرب)، چون کالایی در واقعیت تولید نشده که ارزش ریالی آن وجود داشته باشد، نقدینگی بالا می‌رود، در نتیجه مردم پول کافی برای خرید کالا دارند ولی کالا به تعداد کافی موجود نیست - و این، یعنی همان بازار سیاه و افزایش شاخص قیمت، افزایش تورم و کاهش ارزش پول - که این امر، مانند مالیاتی است که بر صاحبان پول در جامعه تحمیل می‌شود (مالیات تورمی).

در چنین حالتی، اگرچه مردم به طور شفاف، ریالی بابت مالیات به دولت پرداخت نمی‌کنند و دولت، صرفاً برای تأمین منابع مورد نیاز خود، پول چاپ کرده است، اما به دلیل کاهش ارزش پول در دست مردم، آنها به طور ضمنی بابت نگهداری پول، مالیات پرداخت می‌کنند.

برای انعکاس وسعت بهره‌گیری



می‌باشد.

با مراجعه به آمارهای منتشره از کشورهای مختلف در زمینه میزان استفاده از حق انتشار پول، این میزان در اغلب کشورها، در طول زمان رو به کاهش بوده و در کشورهای توسعه یافته‌ای مثل استرالیا، انگلیس و آمریکا، این مقدار به کمتر از ۰/۵ درصد محصول ناخالص داخلی می‌رسد. این موضوع، نشان می‌دهد در کشورهای مذکور، به چاپ پول برای تأمین منابع مالی، کمتر اتکا می‌شود. علاوه بر این، حداقل استفاده از حق الضرب پول، می‌تواند شاخصی باشد که استقلال بالای بانک مرکزی را در این کشورها

منعکس می‌کند.

میزان استفاده از حق انتشار پول در ایران، طی سال‌های ۸۶-۶۸، به طور متوسط، ۳ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است. این در حالی است که رقم مذکور، در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به کمتر از یک درصد کاهش پیدا کرده است. در طی سال‌های ۶۸ تا ۸۶، بین میزان استفاده از حق الضرب پول و نرخ تورم، رابطه‌ای مستقیم مشاهده شده است که لزوم توجه بیشتر سیاست‌گذاران به عواقب ناشی از تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را گوشزد می‌نماید. ■

## اثر تأمین اجتماعی بر کاهش فقر در ایران

# بازوی عدالت

حاکم نبودن عدالت اجتماعی در کشور و اختلاف طبقاتی موجود بین دهک‌های بالا و پایین اجتماعی، لزوم حمایت‌های دولت را از طبقات کم‌درآمد و در قالب طرح‌های تأمین اجتماعی بیش از پیش آشکارتر کرده است.



در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به دنبال افزایش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از برنامه‌های تعدیل اقتصادی و همچنین چرخش سیاست‌های کلی نظام به سمت خصوصی‌سازی و مقررات زدایی، توجه به نظام تأمین اجتماعی و انتظارات از آن افزایش یافته است. از اهداف اساسی نظام تأمین اجتماعی، به طور دقیق، فقرزدایی و کاهش نابرابری از طریق توزیع مجدد درآمد و همچنین حفاظت شهروندان در برابر خطرات اجتماعی و اقتصادی، به ویژه در دوران کهولت را می‌توان نام برد.

در ایران، پس از تحت پوشش قرار گرفتن کارگران در سال ۱۳۰۰، لایحه بیمه کارگران در تاریخ ۲۹ آبان سال ۲۲ در مجلس به تصویب نهایی رسید و در سال ۲۴ به اجرا درآمد و نهایتاً، در سال ۴۲ بنا به پیشنهاد وزارت کار به سازمان بیمه‌های اجتماعی تغییر نام یافت.

قانون فعلی تأمین اجتماعی در تیر ماه ۵۴ با هدف اجرا و گسترش تمهیدات این مهم و همچنین ایجاد چارچوب نهادینه هماهنگ، بر پایه اصول و اهداف معاصر تأمین اجتماعی تأسیس شد. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ارتقای رفاه، فقرزدایی و محرومیت زدایی در زمینه نیازهای اساسی و تمهید بیمه اجتماعی برای همگان، به عنوان هدف اصلی تلاش‌های کشور در بخش اجتماعی اعلام شده است.

جامعه یاری می‌رسانند. نظام تأمین اجتماعی، همواره باید متناسب با نظام مالیاتی حرکت کند، چراکه اگر رابطه علت و معلول بین این دو نظام برقرار نباشد، قطعاً دولت‌های حامی تأمین اجتماعی با کسری بودجه مواجه می‌شوند و عملاً مسأله توزیع درآمد نقض می‌گردد. در واقع همان‌طور که پایه مناسبی برای نظام تأمین اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، باید نرخ مالیاتی مناسبی نیز مشمول دهک‌های درآمدی بالا شود. از طرف دیگر، در صورتی که بخش بیمه‌ای و حمایتی نظام تأمین اجتماعی، هماهنگی مناسبی با یکدیگر نداشته باشند، مشکلات بسیاری پدید می‌آید و حتی ممکن است به کاهش مخارج نظام تأمین اجتماعی به قیمت ثابت منجر شود. توسعه این مهم، به ویژه تخصیص منابع بیشتری به بخش حمایتی و افزایش معقول سطح دریافتی مستمری بگیران، در کنار تسریع رشد اقتصادی، ثبات اقتصادی و برنامه تنظیم خانواده، می‌تواند موفقیت تأمین اجتماعی را در کاهش فقر به طور معنی‌داری افزایش دهد.

### سطح پوشش مستمری بگیران

بررسی سطح پوشش مستمری بگیران تأمین اجتماعی به لحاظ کمی، تنها در برگرفته تعداد افراد مستمری بگیر تحت پوشش این نظام می‌باشد، اما جهت انجام این کار از نظر کیفی، باید میزان حقوق پرداختی به مستمری بگیران، نسبت به خط فقر محک زده شود. در این قسمت، فقط تعداد افراد مستمری بگیر که به طور دائمی از تأمین اجتماعی مستمری دریافت می‌کنند، در نظر گرفته شده و از اعمال پرداخت‌های مقطعی و موردی صرف نظر گردیده است. نسبت تعداد کل مستمری بگیران بیمه‌ای به جمعیت کل کشور از ۰/۰۲ در سال ۷۵ به ۰/۲۷ در سال ۸۰ و ۰/۲۸ در سال ۸۳ رسیده که مبین افزایش سطح پوشش مستمری بگیران در هر مرحله نسبت به مرحله قبل می‌باشد.

همچنین، نسبت تعداد کل مستمری بگیران حمایتی به جمعیت کل کشور از ۰/۰۵۹ در سال ۷۵ به ۰/۰۶۹ در سال ۸۰ رسیده و در سال ۸۳ شاهد کاهش این نسبت به ۰/۰۰۵ می‌باشیم. جهت مقایسه تطبیقی بین دو بعد بیمه‌ای و حمایتی، می‌توان گفت: بعد بیمه‌ای از سال ۷۵ تا سال ۸۳، روندی صعودی، ولی بعد حمایتی با وجود سیری صعودی از سال ۷۵ تا سال ۸۰، در سال ۸۳ روندی کاهشی داشته است، البته تعداد افراد مستمری بگیر تحت پوشش بعد حمایتی، تقریباً سه برابر بعد بیمه‌ای بوده که در سال‌های ۸۰ و ۸۳ نیز به ترتیب به ۲/۵ و ۲/۳ برابر رسیده است. این جریان، با بررسی دو بُعد مذکور، بیانگر

فعالیت‌های تأمین اجتماعی در چارچوب اصل ۲۹ قانون اساسی بوده و از سوی دولتمردان و سیاستگذاران، به عنوان مهمترین اهرم برقراری عدالت در جامعه تلقی می‌شود. از میان بردن فقر از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های رفاهی دولت‌ها می‌باشد. در این راستا لازم است، سیاست‌هایی که توسط دولت‌ها اتخاذ می‌شوند به گونه‌ای پیاده و اجرا گردند تا شکاف موجود بین افراد فقیر و غنی را کاهش دهند. در این جا سعی بر آن است که میزان کاهش فقر و درصد جمعیت فقیر را بر اساس عملکرد نظام تأمین اجتماعی بیان و همچنین با مقایسه‌ای تطبیقی بین بخش‌های مختلف آن، عملکرد آنها در دو بعد بیمه‌ای (تحت پوشش قراردادن بازنشسته‌ها، از کار افتاده‌ها و بازماندگان افراد متوفی) و حمایتی (ارایه خدمات توانبخشی، بازپروری، کارآموزی و غیره) بررسی شود.

### نظام تأمین اجتماعی در دنیا

امروزه همه دولت‌های جهان، در جهت تأمین رفاه اجتماعی فعالیت می‌کنند و با پی‌ریزی نظام تأمین اجتماعی، از جمله پرداخت حقوق بازنشستگی به افراد مسن و همچنین کمک‌رسانی به افراد ناتوان که به دلایل گوناگون از حداقل معیشت و سطح استاندارد زندگی به دور هستند، به افراد